

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال هشتم، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۹۵

صفحات: ۹۸-۸۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۵/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۳

شناسایی باورهای نقش جنسیتی غالب در فرهنگ کرد

سمیه یوسفی*

ابوالفضل فرید**

روح اله مهدیون***

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی باورهای نقش جنسیتی غالب در فرهنگ کرد از دیدگاه مشاورین سطح استان کردستان بود. مشارکت کنندگان این پژوهش کلیه مشاورین مدارس و مراکز مشاوره و کلینیک‌های تخصصی مشاوره در سطح استان کردستان می‌باشند، که برای انتخاب آنها از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. از آنجا که معیار نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی اشباع داده‌ها می‌باشد، در این پژوهش ۲۸ مشاور شرکت داشتند. پژوهش حاضر کیفی از نوع تحلیل محتوا می‌باشد. داده‌ها از طریق یک پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شد و با روش کدگذاری باز و محوری تحلیل شدند. برای تعیین روایی صوری و محتوایی ابزار اندازه‌گیری از نظر اساتید، برای تعیین روایی کیفی از تکنیک خودبازبینی محقق و برای بررسی پایای کیفی پژوهش از نظر کدگذاران و میزان توافق بین آنها در کدگذاری داده‌ها و تعیین مقوله‌ها، استفاده شد، روایی و پایایی آن مورد تایید قرار گرفت. نتایج منجر به شناسایی پنج طبقه اصلی (شخصیت، ارتباطات، فعالیت، کار و وظایف اجتماعی، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی)، نوزده زیرطبقه‌ها که هر یک دارای مقولات فرعی نیز بودند، شد. باورهای بیان شده در مقوله شخصیت به ویژه زیرمقوله شناختی و رفتاری و نیز مقوله کار و وظایف اجتماعی جزء باورهایی بودند که توسط بیشتر مشاورین بیان شده و به آنها اشاره شده بود. نیز باورهای بیان شده در مقوله ساختارهای اجتماعی و فرهنگی کمترین میزان تکرار را داشتند.

کلید واژگان: باورهای نقش جنسیتی، فرهنگ کرد، مشاورین.

* کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی (نویسنده مسئول، ایمیل: yoosefismayeh@yahoo.com)

** استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (abolfazlfarid@gmail.com)

*** استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (mahdiuon@gmail.com)

مقدمه

کردها به‌عنوان یکی از اولین مردمانی که وارد سرزمین‌های کنونی شدند، جایگاه بزرگی در ظهور تمدن نوین داشته‌اند و چه بسا بسیاری از تمدن‌های اولیه در مناطق کردنشین مانند کشف بزرگ نخستین پرستشگاه تاریخ موسوم به گویکلی تپه^۱ در قسمت کردنشین ترکیه کنونی که بسیاری از تئوری‌های تاریخ را زیر سؤال برده است، از این مستندات است (طه زاده، ۱۳۹۲). بر همین اساس می‌توان ادعا نمود که در این سرزمین‌ها با توجه به نقش اساسی زن در تمدن‌های اولیه، زن جایگاه خود را داشته است. در این مورد می‌توان به سخنان گیرشمن^۲، باستان‌شناس فرانسوی اشاره کرد که در کتاب خود بیان می‌کند که زن در میان گوتی‌ها که در کردستان کنونی ساکن بوده‌اند، حتی در مقام فرماندهی سپاه نیز مشغول بوده‌اند (گیرشمن، ترجمه بهفروزی، ۱۳۸۵). در بسیاری از موارد دیگر زنان کرد اولین‌ها بوده‌اند که وارد حیطه‌ی فعالیت خاصی شده‌اند. برای مثال یکی از بارزترین نمونه‌ها برای اثبات این مدعا را می‌توان "ماه شرف خانم" اولین تاریخ‌نگار زن در تاریخ ایران دانست که با وجود اینکه تاریخ‌نگاری در کردستان دیرتر از مناطق دیگر آغاز شد، اما اولین زن تاریخ‌نگار ایران از کردستان معرفی شد (قدیمی قیداری، ۱۳۸۸). یا حتی در سال‌های مشروطه در ایران، موارد مستندی بوده، که زنان کرد در فعالیت‌های اقتصادی و بازاری شرکت داشته‌اند (زارعی مهرروز، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر در ادبیات، اشعار و نوشته‌های مفاخر کردستان نیز زنان جایگاه بزرگی داشته است و نسبت به فعالیت زنان، نگاه مثبتی وجود داشته است. برای مثال می‌توان به اشعار اساتیدی مانند هیمن، هزار، ناری، شیر کو بیگس، و دیگران اشاره کرد (شیخ‌الاسلامی مگری، ۱۳۹۰؛ شرف‌کنندی، ۱۳۹۰؛ ناری، ۱۳۸۲؛ بیگس، ترجمه نقشبندی، ۱۳۸۲). برای مثال محمدامین شیخ‌الاسلامی ملقب به "هیمن" شاعر بزرگ کرد، در یکی از اشعارش به نام "یادگاری شیرین" به وضوح خانه‌نشین کردن و محدود کردن زن به محیط خانه را تقییح کرده و به این اشاره می‌کند که زن در جامعه‌ی کردستان باید کارهای سنتی را کنار گذاشته و مانند تمام زنان مدرن به دنبال هنر، نوآوری و علم بروند. همچنین اشاره به این امر می‌نماید که در بسیاری از فعالیت‌ها زنان از مردان موفق‌تر بوده‌اند و وی نیز، زنان کرد را به فراگیری علم، از بین بردن سنت‌های نادرست، و روی آوردن به کار و تلاش مدرن تشویق می‌کند (شیخ‌الاسلامی مگری، ۱۳۹۰). همچنین در بسیاری از داستان‌ها و نوشته‌های معاصر کردی، نقش زنان به وضوح دیده می‌شود. یا حتی در نوشته‌های نویسندگان بزرگ غیر کرد مانند رمان "کلیدر" محمود دولت‌آبادی که زن در آن یکی از عوامل اساسی است، داستان در مورد خانواده‌های کردزبان که به سبزواری خراسان کوچانده شده‌اند نوشته شده است (دولت‌آبادی، ۱۳۸۹). لازم است تا پیش از هر چیز نگاهی گذرا به وضعیت جنسیت و جایگاه زنان و نقش آن‌ها در این فرهنگ به جهت درک کلیشه و نقش‌ها داشته باشیم و بدانیم در شرایط کنونی وضعیت ابراز وجود

۱. Gobekli tepe

۲. Ghirshman

و سلامت اجتماعی زنان و مردان در این فرهنگ به چه صورتی است؟ (آزیر، ۱۳۸۵). یکی از خصوصیات برجسته افراد که توسط مردم بیان می‌شود، جنسیت^۱ است (جوکار، طاهری ازبومی و پورنجف، ۱۳۹۰). باید تمایز مهمی میان جنس^۲ و جنسیت قائل شد چرا که نوزاد با جنس به دنیا می‌آید و جنسیت او تکوین می‌یابد (گیدنز و بردسال^۳، ۱۹۸۹، ترجمه چاوشیان، ۱۳۸۹). اصطلاح جنس در بردارنده‌ی ابعاد زیست‌شناختی نر و ماده بودن است و اصطلاح جنسیت به ابعاد فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی زن یا مرد بودن اشاره دارد (یبابانگرد، ۱۳۸۴). در واقع جنس به‌طور طبیعی، از پیش تعیین شده است، و جنسیت به وسیله انتظارات و ادراکات و الزامات فرهنگ و جامعه شکل گرفته است (توپوز و فوسون^۴، ۲۰۱۴).

مسئله هویت جنسی یکی از اولین احساسات آشکار در رشد کودک است، قبل از اینکه کودک ملیت، مذهب، و موقعیت اجتماعی را بشناسد، جنسیت خود را می‌شناسد و خود را با فعالیت‌های مطابق آن مرتبط می‌کند؛ بنابراین جنسیت مفهومی اساسی از خود است، و همانطور که فوکوس-جنوویس^۵ (۱۹۹۱) بیان می‌دارند "هویت من در واقع همان جنسیت من است" (به نقل از بهرامی، ۱۳۸۶). بسیاری از جنبه‌های اساسی زندگی شامل کار، آموزش، و فعالیت‌های تفریحی و ارتباط با دیگران که مردم انتظار دارند دنبال کنند، به وسیله جنسیت کنترل می‌شود (متود، بشکورت و ایانز^۶، ۲۰۱۴). افراد هویت جنسی، رفتارها، نقش‌ها و نگرش‌ها جنسیتی را با توجه به نرم‌های اجتماعی جامعه‌ای که در آن متولد شده‌اند توسعه می‌دهند (توپوز و فوسون، ۲۰۱۴)، که این امر در جریان جامعه‌پذیری نقش جنسیتی شکل می‌گیرد.

جامعه‌پذیری جنسیتی، فرایندی دامن‌دار است که در طول زندگی افراد به تدریج شکل می‌گیرد و به ابعاد گوناگون زندگی آنان جهت و معنا می‌دهد. با این همه، فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی عمدتاً در دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد و در سنین بالاتر در ذهن و رفتارهای اجتماعی، تثبیت و نهادینه می‌شود. والدین، سایر اعضای خانواده، و خویشاوندان، گروه دوستان و همسالان نقشی بسیار مهم در جامعه‌پذیری نقش جنسیتی ایفا می‌کنند (فروتن، ۱۳۸۹).

نقش جنسیتی در جامعه انتظارات و باورهای به اشتراک گذاشته شده‌ای است که به افراد بر اساس جنسیتشان نسبت داده می‌شود. نقش‌های جنسیتی شامل حقوق و تعهداتی است که به‌عنوان زنان و مردان شایسته در جامعه تعریف شده است. نقش‌های جنسیتی رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهند نه تنها به این دلیل که مردان و زنان به انتظارات جامعه پاسخ دهند، بلکه به این دلیل که بسیاری از مردم نقش‌های جنسیتشان را درونی کرده‌اند (تزینر و بارششت-پیک^۷، ۲۰۱۴). برخی از الگوهای

۱. gender

۲. sex

۳. Giddens & Berdsal

۴. Topuz & Fusun

۵. Fox-Genovese

۶. Matud, Bethencourt, & Ibanez

۷. Tzinerr & Barsheshet-Picke

نقش جنسیتی و به موجب آن کلیشه‌های جنسیتی به مردان و برخی به زنان نسبت داده شده‌اند. واقعیت آن است که همه الگوهای نقش و همه کلیشه‌های جنسیتی را نمی‌توان خوب یا بد ارزیابی کرد. اما این الگوها در جامعه چنان بوده‌اند که به‌طور کلی نقش و کلیشه‌های مردان، آن را به کار در عرصه عمومی و بیرون از خانه و زنان را به کار خانگی و امور درون خانه تشویق می‌کنند. از زنان اطاعت و فرمانبرداری و از مردان فرماندهی و سلطه‌گری و اقتدار در حیطه‌های شغلی و خانوادگی انتظار می‌رود (بم^۱، ۱۹۹۳؛ بونیللا^۲، ۱۹۹۸؛ کالوو^۳، ۲۰۰۲؛ کانراد^۴، ۲۰۰۰؛ وود و اگلی^۵، ۲۰۰۲، اکواریال^۶، ۱۹۹۲؛ به نقل از؛ کالوو-ساگوییرو^۷، ۲۰۰۸؛ و دشتی^۸، ۱۳۹۱)، حتی در ادبیات سفر تفریح در فضای باز و طبیعت برای مردان و ایده‌های مد برای زنان ترویج می‌شود این بازنمودها جایگاه زن را به‌عنوان یک مصرف‌کننده در جامعه می‌سازد (مورین^۸، ۲۰۱۲). که همین نقش‌های مطیع بودن منجر به سلطه مردان بر زنان و ایجاد محدودیت و تهدیدهای بیشماری برای آنان می‌شود، برای مثال با وجود آمار و ارقام مختلفی که در مورد خشونت علیه زنان در جهان وجود دارد اما آمار و ارقام دقیق از آن در ایران وجود ندارد. یکی از ویژگی‌های خشونت علیه زنان در ایران، پنهان بودن آن از نظر خانواده‌ها و هم از نظر دولت است. زنان تا آنجا که امکان دارد سکوت می‌کنند و اعتراضی نمی‌کنند. پنهان نگاه داشتن اعمال خشونت علیه زنان و پرهیز زنان از واکنش فعال نسبت به آن یکی از مشخصات خشونت علیه زنان در تمام جوامع است (بارت^۹، ۱۹۸۰). وردی نیا، ریاحی، و اسفندیاری (وردی نیا، ریاحی و اسفندیاری، ۱۳۸۹) در پژوهش خود نشان دادند که هرچه افراد بیشتر به لحاظ جنسیتی مورد تشویق و یا تنبه قرار گیرند، و نیز دختران انتظارات جنسیتی والدین از دختران را مبنی بر عدم پرخاشگری و تندخویی بر آورند و با سکوت و تحمل در وضعیت‌های خشونت‌آمیز در خانواده و جامعه مورد تحسین و انواع تشویق از سوی والدین و دیگران قرار گیرند، نگرشی تمکین‌کننده‌تر و پذیرا تر نسبت به خشونت علیه زنان دارند.

نظریه‌های گوناگون از چشم اندازه‌های مختلف زیست‌شناختی، روان‌شناختی، و جامعه‌شناختی به تبیین شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی پرداخته‌اند که می‌توان به نظریه‌های زیستی، اجتماعی، و شناختی اشاره کرد. این اندیشه که توزیع نقش‌ها بر حسب جنسیت کم یا بیش از عوامل زیست‌شناختی تأثیر می‌پذیرد، در کلیت خود موافقان بسیاری دارد. گویا مفروض این است که تفاوت نقش‌های جنسیتی به‌عنوان واقعیتی جهانی باید از علتی جهانی ناشی شده باشد و از این رو، عوامل زیستی به دلیل خصلت

-
۱. Bem
 ۲. Bonilla
 ۳. Calvo
 ۴. Konrad
 ۵. Wood and Eagly
 ۶. Echevarría,
 ۷. Calvo-Salguero
 ۸. Morin
 ۹. Barrett

جهان شمولی، اهمیت زیادی در تبیین تفاوت نقش‌ها می‌یابند (مک کانل و فیلیپ کالک^۱، ۱۹۹۲). براساس این نظریه هورمون‌ها، موجب سازمان‌دهی بنیادهای عصبی مغز می‌شوند و سطح بالای آندروژن قبل از تولد، مغز را مردانه می‌سازد و سطح بالای پروژسترون نیز مغز را زنانه می‌سازد. تفاوت‌های کالبد شناختی بین مغز مردان و زنان در ناحیه هیپوتالاموس نیز با تفاوت‌های جنسی در کنش تولید مثل مربوط است (بهرامی، ۱۳۸۶). این رویکرد یک سری عقاید متفاوت درباره هر جنس دارد که پایه باورهای جنسیتی هستند، برای مثال زنان سطوح بالای ارتباط را نشان می‌دهند، که شامل گرمی، مراقبت، و رابطه با دیگران است و در مقابل مردان با توجه به خصوصیت شخصیتی متکی به خود هستند و روی دیگران اعمال قدرت می‌کنند (فقیهی، ۱۳۹۱). با این همه، در میان صاحب‌نظران معاصر کمتر کسی یافت می‌شود که برای عوامل زیست شناختی تأثیر قاطع و اجتناب ناپذیری در نفکیک جنسیتی نقش‌ها قائل باشد. شواهد فراوان، احتمال چنین تأثیری را برای عوامل زیستی رد کرده‌اند که از جمله‌ی این شواهد، یافته‌های پژوهشی است که امکان تربیت کودک در نقش غلط، یعنی پسر در جایگاه دختر و بالعکس را به اثبات رسانده‌اند (بستان، ۱۳۸۵).

دیدگاه‌های اجتماعی بر این باورند که تجربیات اجتماعی، رشد جنسیتی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بیابانگرد، ۱۳۸۴). که از این دیدگاه‌ها میتوان به نظریه روانکاو و نظریه شناختی- اجتماعی نسبت به جنسیت اشاره کرد. نظریه روان تحلیل‌گری فروید، نظریه‌ای مرحله‌ای در زمینه رشد روانی-جنسی است. در این دیدگاه فرایند شکل‌گیری هویت جنسیتی و نقش جنسیتی با کشف تفاوت‌های تناسلی بین دو جنس آغاز می‌شود و با همانندسازی کودک با والد همجنس پایان می‌پذیرد (فقیهی، ۱۳۹۱). تأکید اولیه نظریه شناختی. اجتماعی که در سال ۱۹۶۰ توسط آلبرت بندورا^۲ مطرح شد، روی فراگیری اجتماعی رفتارهای مناسب جنسیتی است. طبق این تئوری، رشد زمانی اتفاق می‌افتد که کودک الگوهای در محیط داشته باشد و رفتارهای مخصوص جنس را توسط آن‌ها درک کند (خانی مجد، ۱۳۸۸). در واقع رشد جنسیتی کودکان از طریق مشاهده و تقلید رفتار جنسیتی و تقویت و تنبیه آن رفتار روی می‌دهد (بیابانگرد، ۱۳۸۴).

از دیدگاه‌های شناختی می‌توان به نظریه‌های رشد شناختی و نظریه طرحواره جنسیتی اشاره کرد. نظریه رشد شناختی بیشترین تأثیر را از نظریه ژان پیاژه، روان‌شناس شناخت‌گرا گرفته است (برومندی، ۱۳۸۷). پیاژه یکی از نخستین روانشناسانی بود که نحوه‌ی استدلال کردن کودکان را به‌طور جدی بررسی کرد. او نسبت به ادراک جنسیت در کودکان اظهار می‌دارد که کودکان خردسال به‌جای تمرکز بر هویت واقعی اشیاء بر ظاهر آن‌ها تمرکز می‌کنند (اعتصامی، ۱۳۸۳). در سال ۱۹۸۱، ساندر^۳ا بم نظریه طرحواره جنسیتی را معرفی کرد. مفهوم طرحواره در روانشناسی شناختی چگونگی تبدیل جنسیتی افراد، درک و فرایند، و چگونگی حفظ اطلاعات را بررسی می‌کند. بم بر این

۱. McConnell & Philipchalk

۲. Albert Bandura

۳. Sandra Bem

باور است که افراد طحوااره‌های جنسیتی متفاوتی برای چند حوزه دارند و این تنوع شاید به این دلیل است که اطلاعات مبتنی بر جنسیت از طریق جامعه، خانواده، و فرهنگ در طول عمر منتقل می‌شوند (جهانبخش، جومهری و کارشکیان^۱، ۲۰۱۵). بم (۱۹۷۴) زنانگی و مردانگی را به‌عنوان دو بعد نقش جنسیتی تعریف کرده است. مردانگی به معنای با اعتماد به نفس، مستقل، عادلانه، منطقی، تحلیلی و مصمم بودن است در حالی که زنانگی به معنی عاطفی، منطقی، مشارکتی، غریزی، گرم و نوع دوست بودن است. باین حال بیش از دو دسته نقش جنسیتی وجود دارد: زنانگی، مردانگی، آندروژنی، و تمایز نیافته. نقش‌های جنسیتی آندروژنی و تمایز نیافته به‌عنوان گروه نقش جنسیتی که شامل ویژگی‌های زنانگی و مردانگی اند تعریف شده‌اند (توپوز و فوسون، ۲۰۱۴).

باورهای نقش جنسیتی، به‌عنوان "ایده‌های مردم از نقش مناسب برای مردان و زنان در جامعه و از هنجارهای رفتاری برای مردان و زنان" تعریف شده است (ویتلی^۲، ۲۰۰۱). این باورها منجر به شکل‌گیری کلیشه‌های جنسیتی می‌شوند که در این جریان عوامل مختلفی از جمله قومیت، طبقه اجتماعی، وجود ناتوانی تأثیرگذارند (معارف، ۱۳۹۱). در هر فرهنگ کلیشه‌ها و باورهای خاص مبتنی بر جنسیت را برای مردان و زنان تعریف می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که جوامع گوناگون نقش‌ها و خصوصیات زنان و مردان را متفاوت و گاه کاملاً مغایر با یکدیگر تعریف می‌کنند (بهرامی، ۱۳۸۶). هنوز در برخی از کشورها مثل ژاپن، افریقای جنوبی و نیجریه، نقش جنسی مردانه و ویژگی‌های مردانه، ویژگی‌های بسیار مطلوب تلقی می‌شوند، در حالی که در کشورهایی مثل ایتالیا، استرالیا، و پرو ویژگی‌های زنان بسیار مطلوب پنداشته می‌شوند، از این رو فرهنگ نقش مهمی در چگونگی ویژگی‌های شخصی مطلوب درک شده، بازی می‌کند (جهانبخش، جومهری و کارشکیان، ۲۰۱۵). برخی الگوهای خانوادگی، احتمال بیشتری دارد که کودکان را بانگرس‌های انعطاف‌پذیرتر پرورش دهند. فرهنگ و جامعه نیز باهدف پیام‌های سوگیرانه درباره نقش‌های جنسیتی، می‌تواند الگوهای رفتاری و نقش‌های جنسیتی مساوات طلبانه را گسترش دهند. (فیسک^۳، ۱۹۹۳).

پژوهش‌های مختلفی به بررسی نقش‌های جنسیتی در فرهنگ‌های مختلفی پرداخته‌اند، که نتایج بعضی از مطالعات نشان می‌دهد تفاوت‌های جنسی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت می‌باشد (جوکار و همکاران، ۱۳۹۰)، و برخی نیز نشان می‌دهند که تفاوت‌های جنسیتی مشترک در فرهنگ‌های مختلف وجود دارد. کولیک^۴ (۲۰۰۵) طی پژوهش خود دریافت که مادرها و نوجوانان آسیایی. آفریقایی نسبت به هم‌تایان اروپایی-آمریکایی خود عقاید سنتی بیشتری درباره نقش‌های جنسیتی دارند، و نیز مطالعات میان فرهنگی هم در دوران معاصر بر جهان‌شمولی پدیده‌ی توزیع نقش‌ها

۱. Jahanbakhsh, Jomehri & Kraskian

۲. Whitley

۳. Fiske

۴. Kulik

بر حسب جنسیت مهر تأیید زده‌اند. مورداک^۱ در پژوهش خود پیرامون این موضوع که ۲۲۴ فرهنگ را دربر می‌گرفت، به این نتیجه رسید که عمده‌ی کارهایی مانند چوب‌بری و تهیه الوار، حفاری و استخراج معادن، پاک‌سازی اراضی، ساختن اقامتگاه، شکار، ماهیگیری، گله‌داری، بازرگانی، قایق‌سواری، و اسلحه‌سازی به مردان اختصاص دارد، اما جمع‌آوری و فراهم کردن سبزیجات، حمل آب، آشپزی، دوخت و دوز، سبدهبافی، حصیربافی، و سفالگری اغلب به زنان واگذار می‌شود. (او کلاسی^۲، ۱۹۷۶). در پژوهشی دیگر درباره‌ی نقش‌های خانوادگی و ابرازی^۳ یعنی نقش‌های مربوط به سازگاری گروه خانواده با شرایط خارجی، فیزیکی و اجتماعی، نقش‌های خانوادگی ابرازی^۴ یعنی نقش‌های مربوط به مراقبت از اعضا و حمایت عاطفی مشخص گردید که در چهل و شش جامعه از پنجاه و شش جامعه مورد مطالعه، تمایز بین نقش‌های ابرازی و ابرازی به شکل مورد انتظار یعنی به این صورت که قسم اول به مردان و قسم دوم به زنان اختصاص یابند، وجود داشته است (لی و نیوبای^۵، ۱۹۹۵).

ویلیام و بست (ویلیامز و بست^۶، ۱۹۹۰، نقل از آژیر، ۱۳۸۵) به مقایسه کلیشه‌های جنسیتی در میان دانشجویان ۳۰ کشور مختلف پرداختند. نتایج آن‌ها عمومیت فرهنگی را درباره صفاتی که "زنان" و "مردانه" تلقی می‌شوند، نشان داد.

در پژوهش دیگری که ۸۰۰ کودک دبستانی در آن شرکت داشتند، کودکان هر دو جنس، ورزش‌ها را از نظر جنسیت به صورت کلیشه‌ای در نظر داشتند. یعنی معتقد بودند که ورزش برای پسرها مهم‌تر است، و پسرها غالباً می‌گفتند که برای والدینشان خیلی مهم است که آن‌ها در فعالیت‌های ورزشی شرکت کنند. این نگرش‌ها بر اعتماد به نفس و رفتار کودکان تأثیر داشتند. دخترها معتقد بودند که استعداد کمتری در ورزش دارند و در کلاس ششم، کمتر از همکلاسی‌های پسر خود ورزش می‌کردند (اکسلز و هارولد^۷، ۱۹۹۱؛ اکسلز، ۱۹۹۰، نقل از آژیر، ۱۳۸۵).

مارتین و هالورسن^۸ (۱۹۸۱) پی بردند که کودکان به گونه‌ای ذاتی و وراثتی برای کسب ارزش‌ها، علایق و رفتارهایی که با تصویر پسرانه و دخترانه آن‌ها هماهنگ است انگیزه دارند (به نقل از آژیر، ۱۳۸۵). براورمن و همکاران (براورمن، براورمن، کلار کسون، روسن پنت و ووگل^۹، ۱۹۷۰) در پژوهش خود نشان دادند که اغلب مردان، بیشتر از زنان در قالب واژه‌هایی که کفایت و شایستگی ضمنی را در برداشته باشند توصیف می‌شوند.

۱. G.P Murdock

۲. Oakley

۳. Instrumental

۴. Expressive

۵. Lee & Newby

۶. Williams & Best

۷. Eccles & Harold

۸. Martin & Halvorsen

۹. Broverman, Broverman, Clarkson, Rosen pant & Vogle

لژنینا (لژنینا، ۲۰۱۴) در پژوهش خود با عنوان "دگرگونی نقش‌های جنسیتی در روسیه امروزی" نشان داد که از نظر روس‌ها مهم‌ترین ویژگی‌های مرد ایده‌آل به ترتیب قدرت جسمانی، عدم وجود عادات بد مثل اعتیاد به مواد مخدر، هوش، توانایی حمایت مالی و اعتماد به نفس می‌باشد در حالی که مهم‌ترین ویژگی‌های یک زن ایده‌آل به ترتیب ظاهری جذاب، جاذبه جنسی، وفاداری در عشق، عشق برای کودک‌کان، صرفه‌جویی و فعال بودن می‌باشد.

بورهارت و تررل (بورهارت و تررل^۲، ۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "برداشت از خشونت رنگ شده به وسیله نقش‌های جنسیتی" شرکت‌کنندگان مرد را در معرض فعالیت‌های خشونت‌آمیزی که به طور یکسان بود، قرار داد و از آن‌ها خواست تا خشونت رقیب ساختگی‌شان را رتبه‌بندی کنند که نتایج نشان داد شرکت‌کنندگان به طور قابل توجهی به مردانگی رقیبانشان به نسبت زنانگی بدون توجه به جنسیت رقیبانشان نمره می‌دادند. که نتایج حاکی از آن بود که ادراک ذهنی از خشونت ظاهر شده از دیگران با شدت بیشتری به وسیله نقش‌های جنسیتی به جای جنسیت متجاوز تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

مسئله باورهای نقش جنسیتی مسئله جدید نیست اما توجه به آن به عنوان مسئله‌ای اجتماعی و به ویژه روانشناسی به دوران جدید برمی‌گردد. اگرچه محیط در صدد است تا باورهای نقش جنسیتی را بر فرد تحمیل کند، اما در صورتی که فرد رفتارش را تغییر دهد و به راهی غیر از این باورها عمل کند؛ می‌تواند بر محیط و به تبع آن تغییر این باورها تأثیر گذار باشد. برای اینکه فرد به این مرحله برسد اولین گام شناسایی این باورهاست. بنابراین پژوهش حاضر سعی دارد تا به شناسایی باورهای نقش جنسیتی غالب در فرهنگ کرد از دیدگاه مشاورین به عنوان افرادی که به حسب شغلشان درگیر در مسائل و مشکلات افراد جامعه هستند، پردازد.

نیز با توجه به اهمیت نقش فرهنگ در شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی و نیز وجود پژوهش‌هایی که نشانگر تفاوت و تشابه این نقش‌های جنسیتی در فرهنگ‌ها می‌باشند، پژوهش حاضر در چارچوب فرهنگ کرد انجام شده است. ضرورت این پژوهش از آنجا سرچشمه می‌گیرد که هنوز در کشورمان درباره زنان و مردان اقلیت‌های قومی به اندازه کافی مطالعه صورت نگرفته است و روانشناسی زنان خصوصاً، بیشتر روانشناسی زن، قشر متوسط در فرهنگ مسلط تهران بوده است. مطالعات گوناگون نیز در تأیید این انگاره است که جنسیت به تنهایی تجارب انسان‌ها را شکل نمی‌بخشد، بلکه عوامل دیگری چون قومیت نیز همزمان می‌تواند تجارب زنان و مردان را جهت بخشد. به عبارت دیگر مفاهیم مردانگی و زنانگی بر حسب نقش‌های جنسیتی مختلفی که در گروه‌های قومی مختلف تعیین می‌شود، شکل می‌گیرد و هویت مردان و زنان برخاسته از باورهای مشترک قومی درباره‌ی زنانگی و مردانگی است (برانون^۳، ۲۰۰۲). بر همین اساس پژوهش حاضر سعی دارد تا به شناسایی باورهای

۱. Lezhnina

۲. Borhart & Terrell

۳. Brannon

نقش جنسیتی غالب در فرهنگ کرد از دیدگاه مشاورین در سطح استان کردستان پردازد.

روش

این پژوهش به شیوه تحلیل محتوای کیفی و با دو روش کد گذاری باز و محوری انجام شده است. تحلیل محتوای کیفی شیوه‌ای مناسب برای به دست آوردن نتایج معتبر و پایا، از داده‌های متنی به منظور ایجاد دانش، ایده‌ی جدید، ارائه‌ی حقایق و راهنمای عملی، برای عملکرد است. هدف از این شیوه فشرده کردن، توصیف وسیع یک پدیده، و دستاورد این تحلیل، مفاهیم یا طبقات توصیفی پدیده می‌باشد. معمولاً هدف این مفاهیم یا طبقات ساخت یک مدل، سیستم مفهومی، نقشه مفهومی یا طبقات است (محمودی شن، الحانی، احمدی و کاظم نژاد، ۱۳۸۸). مشارکت کنندگان این پژوهش کلیه مشاورین مدارس و مراکز مشاوره و کلینیک‌های تخصصی مشاوره در سطح استان کردستان می‌باشد، که برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. از آنجا که این پژوهش به روش کیفی انجام شده است، در آن معیار انتخاب نمونه اشباع اطلاعاتی می‌باشد، یعنی معیار توقف نمونه‌گیری تکراری شدن داده‌هاست، به طوری که اطلاعات تازه و طبقه جدید ایجاد نگردد. در پژوهش حاضر تعداد ۲۸ مشاور شرکت نمودند. برای تعیین روایی کیفی پژوهش از تکنیک خودبازبینی محقق در طی فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده شد، بطوری که محقق در مراحل مختلف و به دفعات به اصلاح و تجدیدنظر دوباره در طبقه‌بندی‌ها و مقولات تعیین شده پرداخت. برای بررسی پایای کیفی پژوهش از نظر کدگذاران و میزان توافق بین آن‌ها در کدگذاری داده‌ها و تعیین مقوله‌ها، استفاده شد. برای این منظور بعد از انجام کدگذاری‌ها توسط محقق کدگذاری انجام شده در اختیار چند تن از اساتید و مشاورین قرار داده شد که به تجدیدنظر در کدگذاری پرداختند و در نهایت میزان توافق آنان در کدگذاری داده‌ها و مقولات بر کدگذاری نهایی اعمال شده و کدگذاری پس از اصلاح شکل نهایی آن تهیه شد.

ابزار

ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد، که دارای یک سوال که در آن از مشاورین خواسته شده تا ده مورد از باورهای نقش جنسیتی غالب را بنویسند. جهت تأیید روایی صوری و محتوایی ابزار اندازه‌گیری از نظر چند تن از اساتید دانشگاه شهید مدنی آذربایجان استفاده شد. روایی ابزار با نظر متخصصان تأیید شد.

شیوه اجرای پژوهش

در این پژوهش ابتدا داده‌های عینی از طریق پرسشنامه محقق ساخته که در اختیار مشاورین قرار گرفت، جمع‌آوری شد. سپس واحدهای تحلیل انتخاب شدند که واحد تحلیل برای مقیاس بسته پاسخ جملات (عبارات) بودند. بعد از انتخاب واحد تحلیل وارد مرحله کدگذاری باز شده و در

آن به تعیین عبارات و جملات پر کاربرد پرداخته شد. در کد گذاری محوری این عبارات بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که باهم داشتند گروه‌بندی شدند و برای هر کدام از این گروه‌ها یک مقوله تعیین شد. در نهایت تم اصلی مقولات تعیین شد.

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها به دوروش کد گذاری باز و محوری منجر به شکل‌گیری پنج مقوله کلی، و نوزده زیر مقوله شد که هر کدام از این مقولات کلی و زیر مقولات دارای زیرشاخه‌هایی هستند. پنج مقوله کلی شامل: مقوله کلی شخصیت، ارتباطات، فعالیت، کار و وظایف اجتماعی، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی می‌باشد؛

مقوله کلی شخصیت خود دربرگیرنده زیر مقوله‌های: شناختی، فلسفی، عواطف، سلطه‌گرایی، رفتاری، ظاهر (آراستگی و زیبایی)، استقلال و وابستگی، فیزیکی، اخلاقی می‌باشد؛ چون این زیر مقولات ابعاد مختلف شخصیت را در بر می‌گرفتند، مجموع این زیر مقولات زیر مجموعه مقوله کلی "شخصیت" قرار گرفتند.

در زیر مقوله شناختی، باورهایی قرار گرفته‌اند که بیانگر آن‌اند که سطح معرفتی مردان وسیع‌تر از زنان است، در واقع جنبه‌های ادراکی را شامل می‌شود، همچون: زن از لحاظ عقلی ضعیف است و مردان عاقل‌ترند، خواسته‌های مردان مشخص و خواسته‌های زنان نامشخص است، یا دوزن یک شاهد محسوب می‌شود.

زیر مقوله فلسفی باورهایی را شامل می‌شوند که اشاره به معناگرایی و عمق‌نگری دارد، و شامل تنها یک باور می‌باشد: مردان به فلسفه و امور کلی بیشتر علاقه دارند.

زیر مقوله عواطف باورهایی را شامل می‌شود که اشاره به احساس فرد دارد و باید و نبایدهایی که در این زمینه قرار دارند که شامل: زنان حساسی و مردان غیر احساسی‌اند، زنان به سادگی عواطف خود را بر زبان می‌آورند، زنان به فکر عواطف و احساسات دیگران هستند، هیچ محدودیتی برای پسران در بیان احساسشان نسبت به جنس مخالف وجود ندارد اما برای دختران محدودیت وجود دارد، و....

زیر مقوله سلطه‌گرایی شامل باورهایی می‌شود که تابع بودن زن از مرد را در موارد مختلف مثل کار کردن در بیرون از خانه، بیرون رفتن، تصمیم‌گیری، انتخاب کانال تلویزیونی و... نشان می‌دهد. زیر مقوله رفتاری دربردارنده باورهایی است که به صورت رفتار می‌باشند مثل، بلند نخندیدن و حرف نزدن و جیغ کشیدن دختران، حیا داشتن زنان، آرام و مهربان بودن زنان، گریه نکردن پسران و....

زیر مقوله ظاهر (آراستگی و زیبایی) اشاره به باورهایی دارد که در مورد نحوه لباس پوشیدن و زیبایی زنان و مردان است همچون اینکه: لازم نیست مردان آن‌قدر تمیز و پاکیزه باشند، زیبایی خاص زنان است و مردان نباید چندان به فکر زیبایی باشد، مردان لباس‌هایی با رنگ تیره می‌پوشند

و زنان بارنگ شاد، و ...

زیر مقوله استقلال و وابستگی بیانگر وابسته و ضعیف بودن زنان و مستقل و قدرت طلب بودن مردان است، از جمله باروهایی که در این گروه قرار می گیرند: پسران باید از حق خود و دختر (خواهر، مادر و ...) دفاع کند، مردان میل به قدرت طلبی بالایی دارند، زنان میل به امنیت خواهی دارند، خطر همیشه در کمین زنان است، مرد باید قوی و محکم و شکست ناپذیر باشد، دختران از تنهایی می ترسند، پسران ریسک پذیر ترند و ...

زیر مقوله فیزیکی که اشاره به جنبه های جسمانی دارد و شامل دو باور: دختران از لحاظ جسمی ضعیف اند و پسران قوی تر و چابک ترند، می باشد.

زیر مقوله اخلاقی تأکید بر میزان پایبندی به اصول و ارزش های اخلاقی دارد که دربردارنده باورهایی است که بیانگر متعهد بودن مردان به قول و قرارشان، وفادار بودن مردان و بی وفا بودن زنان، ازادتر بودن مردان، سوء استفاده گری مردان است.

یکی دیگر از مقولات کلی که در جریان کدگذاری محوری ایجاد شد، مقوله کلی ارتباطات بود که شامل زیر مقوله هایی می شود که در زمینه تعاملات افراد با دیگران، روابط جنسی، تنها گذاشتن می باشد. در زیر مقوله تعامل باورهایی ارائه شده اند که بیان می کند افراد با چه کسانی و تا چه اندازه می تواند در ارتباط باشد، که باورهای مربوط به این مقوله بیان می کنند که زن نباید با غریبه ها دست بدهد، مرد باید در خانه را باز کند یا به تلفن جواب بدهد، در صورت پرسیدن سؤال از فرد غریبه مرد باید سؤال را پیرسد. در حالی که در زیر مقوله ارتباط، نیاز جنسی بیان می شود که مردان در داشتن ارتباط جنسی با محدودیت چندانی مواجه نیست و نیز می تواند به راحتی احساس خود را در این زمینه بیان کند، مرد می تواند چند همسر داشته باشد اما زن نه، در زیر مقوله تنها گذاشتن بیان می شود که جایز نیست زنان تنهایی به بیرون از خانه، مسافرت، پارک یا هر جای دیگر بروند، تنها گذاشتن زن به مدت زیاد اصلاً جایز نیست، بدبینی و سوء زن نسبت به زنان زیاد است و ...

مقوله کلی دیگری که به دست آمد مقوله فعالیت بود. مقوله کلی فعالیت باورهایی را دربر می گرفت که باید ها و نبایدهایی را در مورد بازی ها و ورزش و آموزش دختران و پسران بیان می کنند، داری چهار زیر مقوله بازی، ورزش، مشارکت و آموزش است. در زیر مقوله بازی باورهایی قرار دارند که تعیین می کنند پسران و دختران باید چه بازی هایی با چه اسباب بازی هایی انجام دهند، همچون: پسر باید با تفنگ بازی کند و نباید با عروسک بازی کند، دخترها نباید پسران را در جمع خود راه بدهند، نیز دختران نباید ورزش های رزمی و قدرتی انجام دهند و پسر باید ورزشکار و پرنیرو باشد در زیر مقوله ورزش قرار گرفته اند. زیر مقوله مشارکت گرای دربردارنده باورهایی مثل: دختران ورزش های پرتنش و دسته جمعی مثل فوتبال را دوست ندارند، دختران خودخواه هستند، مردان نتیجه گرا و زنان فرایندگرا هستند، و در آخر زیر مقوله آموزش دربردارنده باورهایی در زمینه آموزش زنان می باشد، همچون زنان در ریاضیات ضعیف اند، زنان حق ادامه تحصیل ندارند... می باشد.

جدول ۱: مقوله‌بندی باورهای جنسیتی شناسایی شده از دیدگاه مشاورین

مقوله کلی	زیر مقوله‌ها	مقوله‌های فرعی
شناختی		- مردها عاقل تر از زنان‌اند و دختران از لحاظ عقلی ضعیف‌اند. - زن یک شاهد محسوب می‌شود. - مرد برتر از زن است. - خواسته‌های مردان مشخص و خواسته‌های زنان نامشخص است.
		فلسفی
عواطف		- زنان به فکر عواطف و احساسات دیگران‌اند. - زنان به سادگی عواطف خود را بر زبان می‌آورند. - مردان غیر احساسی‌اند. - زنان حق ندارند در جریان انتخاب همسر احساسات خود را بیان کنند. - هیچ محدودیتی برای پسران در بیان احساساتشان درباره جنس مخالف وجود ندارد اما زنان نمی‌توانند احساسات خود را بر زبان بیاورند.
		سلطه‌گرایی
رفتاری		- دختر با صدای بلند نمی‌خندد، حرف نمی‌زند، جیغ نمی‌کشد و آواز نمی‌خواند. - دختر باید آرام و مهربان باشد. - زن باید حیا داشته باشد. - زن پر حرف تر از مردان است و مرد نباید زیاد حرف بزند و توضیح دهد. - دختر در جمع پایش را روی پا نمی‌اندازد. - پسر گریه نمی‌کند. - دختران باید پوشش بیشتری داشته باشند. - عیب‌های رفتاری را بیشتر در دختران خود می‌بینند و کمتر در پسران. - پسرها خشن‌اند و نباید با ناز حرف بزنند. - زن‌ها ظاهرین هستند. - زن‌ها زود گول می‌خورند. - زن‌ها دست پاچه‌اند.
		ظاهر (آراستگی و زیبایی)
استقلال و وابستگی		- پسر باید از حق خودش و دختر (خواهرش) دفاع کند. - زنان وابسته‌اند و مردان مستقل و خود کفا هستند. - زنان میل به امنیت‌خواهی فراوان دارند و زنان شکننده و آسیب پذیر‌اند. - مردان میل به قدرت‌طلبی و نیرومندی دارند. - مرد باید قوی و محکم و شکست‌ناپذیر باشد. - مرد باید ابهت داشته باشد. - خطر همیشه در کمین زنان است. - مرد نباید بترسد چرا که ترس مقوله‌ای زنانه است. - دختر از تنهایی می‌ترسد. - پسر ریسک‌پذیر است.

	فیزیکی	<p>- دخترها از لحاظ جسمی ضعیف‌اند.</p> <p>- پسران قوی‌تر و چابک‌ترند.</p>
	اخلاقی	<p>- مردها بیشتر روی قول و قرارشان پایبند هستند.</p> <p>- مردها وفادار و زن‌ها بی‌وفا هستند.</p> <p>- مردها رازدارتر هستند.</p> <p>- پسرها اهل سوء استفاده هستند.</p>
	تعامل	<p>- وقتی زن و مردی در بیرون، از یک مرد دیگر سؤال پرسند، مرد سؤال را می‌پرسد.</p> <p>- زن نباید با غریبه‌ها دست بدهد.</p> <p>- زن نباید به تلفن خانه جواب دهد.</p> <p>- مرد باید در خانه را باز کند.</p>
ارتباط (ز)	ارتباط و نیاز جنسی	<p>- مرد می‌تواند به بیان نیاز جنسی خود بپردازد اما زن هرگز.</p> <p>- مرد می‌تواند چند همسر داشته باشد.</p> <p>- مرد می‌تواند ارتباطات متعدد با جنس مخالف داشته باشد.</p>
	تنها گذاشتن	<p>- دختر نباید دیر به خانه بیاید.</p> <p>- پسران محدودیتی در زمان آمدن به خانه ندارند.</p> <p>- زن تنها، مسافرت، بیرون از خانه، خارج شهر، پارک یا بازار نمی‌رود.</p> <p>- زیاد تنها گذاشتن زن مجاز نیست.</p> <p>- بدبینی و سوءظن نسبت به زن‌ها وجود دارد.</p>
فعلی	بازی	<p>- پسر نباید با عروسک بازی کند.</p> <p>- دخترها نباید پسرها را در جمع خود راه دهند و با آن‌ها بازی کنند.</p> <p>- دختر باید با عروسک بازی کند و برایش عروسک بخرند و برای پسر توپ و تفنگ بخرند.</p>
	ورزش	<p>- دختران نباید ورزش‌های رزمی و قدرتی انجام دهند.</p> <p>- پسر باید ورزشکار و پرنیرو باشد.</p>
کار و وظایف اجتماعی	مشارکت‌گرایی	<p>- دخترها ورزش‌های دسته‌جمعی و پرتنش مثل فوتبال را دوست ندارند.</p> <p>- مردان علاقه بیشتری به رقابت دارند.</p> <p>- دخترها خودخواه هستند.</p> <p>- مردان نتیجه‌گرا و زنان کمتر نتیجه‌گرا هستند.</p>
	آموزشی	<p>- زنان در ریاضیات ضعیف‌اند.</p> <p>- زن حق ادامه تحصیل ندارد.</p>
	وظایف	<p>- مرد تأمین‌کننده نیازهای اقتصادی خانواده و زن اداره‌کننده و مدیر امور خانه و مهمانداری و خانه‌دار (انجام امور خانه و مهمانداری) می‌باشد.</p> <p>- مردانگی طلب می‌کند که از هرگونه خصوصیات و رفتارهای زنانه دور باشد.</p> <p>- دختر باید در خانه باشد.</p> <p>- فرزند پروری و مراقبت از فرزندان وظیفه مادران است.</p> <p>- زن باید در خدمت خانواده و همسرش باشد.</p>
	شغل	<p>- رانندگی خاص مردها است و رانندگی زن‌ها خوب نیست.</p> <p>- مشاغل سخت و خشن بر عهده مردها است.</p> <p>- شغل مناسب برای زنان شغل‌هایی همچون معلمی، پرستاری، روانشناسی، هنر، مامایی، خیاطی و آشپزی و ... می‌باشد.</p> <p>- شغل‌های مناسب برای مردان شغل‌هایی مناسب همچون مهندسی، فنی، کارهای نیازمند فعالیت جسمی، کارگری، رانندگی تاکسی، کشاورزی و زراعت، دندانپزشکی، و ... می‌باشد.</p>

- پسران ادامه‌دهنده نسل هستند.
- داشتن آینده خوب برای پسران اهمیت دارد چرا که پسران مایه پیشرفت‌اند.
- شغل خوب و مناسب داشتن برای پسران است.
- ارث متعلق به پسران است و دختر حق بردن ارث ندارد.
- زمینه پیشرفت برای پسران بیشتر از دختران است.
- تربیت مهم نیاز هر زن است که مهم‌تر از شغل و درآمد برای اوست.

کار و وظایف اجتماعی نیز مقوله کلی دیگر است که دو زیر مقوله وظایف و شغل را شامل می‌شود. در این مقوله باورهایی قرار دارند که نشان می‌دهد وظایف مردان چیست و چه شغل‌هایی را می‌توانند انجام دهند و نیز زنان چه وظایفی دارند و شغل‌های مناسب برای زنان کدام‌اند. در زیر مقوله وظایف بیان شده که: مرد تأمین‌کننده نیاز اقتصادی خانواده و زنان اداره‌کننده امور خانه هستند، فرزندپروری و مراقبت از فرزندان بر عهده زنان است و ...؛ و در زیر مقوله شغل بیان شده است که شغل‌های سخت و خشن رانندگی تاکسی، کشاورزی، زراعت، کارگری و .. مناسب مردان و شغل‌هایی مثل معلمی، پرستاری، روانشناسی، هنر، مامایی و ... مناسب زنان می‌باشد.

آخرین مقوله کلی، مقوله ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است که اشاره به باورهایی دارند که بر اهمیت داشتن و نداشتن دختران و پسران برای تداوم نسل و ارزش‌های جامعه تأکید دارند. شامل باورهایی مثل: پسران ادامه‌دهنده نسل‌اند، پس آینده بهتر باید برای پسران باشد، ارث متعلق به پسران است و دختران حق بردن ارث را ندارند، می‌باشد.

در جدول شماره یک مجموع باورهای بیان‌شده توسط مشاورین و طبقه‌بندی آن‌ها در قالب مقوله و مقوله‌های کلی ارائه شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر شناسایی باورهای نقش جنسیتی غالب در فرهنگ کرد از دیدگاه مشاورین سطح استان کردستان بود. نتایج پژوهش منجر به شناسایی پنج مقوله کلی، در زمینه شخصیت، ارتباطات، فعالیت، کار و وظایف اجتماعی، و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و نوزده زیر مقوله شد. این مقولات گویای باورهایی هستند که از دیدگاه مشاورین سطح استان به‌عنوان باورهایی که بیشتر موجود می‌باشند، و مراجعان بیشتری با آن‌ها درگیر بوده‌اند، مطرح شده‌اند. نتایج به‌دست آمده با نتایج پژوهش‌های دیگر همسو می‌باشد. آنچه در نتایج به‌دست آمده، نشان می‌دهد باورهایی که بیانگر کفایت و شایستگی هستند بیشتر برای مردان به کار می‌رود مانند برتری شناختی مردان، مستقل بودن مردان، قدرتمندی جسمانی مردان و ...، این نتیجه با نتایج پژوهش مارتین و هالورسن (۱۹۸۱) همسو می‌باشد. پژوهش آن‌ها نشان داد، کودکان برای کسب ارزش‌ها، علایق و رفتارهایی که با تصویر پسرانه و دخترانه آن‌ها هماهنگ است، انگیزه دارند (نقل از آژیر، ۱۳۸۵). همچنین براورمن و همکاران (براورمن و همکاران، ۱۹۷۰) نیز نشان دادند که اغلب مردان، بیشتر از زنان در قالب واژه‌هایی که کفایت و شایستگی ضمنی را دربرداشته باشند، توصیف می‌شوند.

از یافته‌های دیگر پژوهش حاضر شناسایی کلیشه‌های جنسیتی در زمینه فعالیت‌های ورزش بود به طوری که به عنوان مثال ورزش‌های رزمی و خشن برای پسران است و پسران باید ورزشکار و پرنیرو باشند، این نتایج همسو با نتایج پژوهش اکسلزو هارولد (۱۹۹۱) و اکسلز (۱۹۹۰) می‌باشد که بر اساس آن پسرها و دخترها در زمینه فعالیت‌های ورزش دارای کلیشه‌های جنسیتی هستند، یعنی معتقدند که ورزش برای پسران مهم‌تر است و دخترها معتقد بودند که استعداد کمتری در فعالیت‌های ورزش دارند. از نتایج دیگر این پژوهش شناسایی مقوله‌ای در زمینه کار و وظایف اجتماعی بود که در آن باورهای در زمینه کار و مشاغلی که مردان و زنان می‌توانند بر عهده گیرند، قرار گرفت (نقل از آژیر، ۱۳۸۵). همسو با این نتیجه، پژوهش مورد اک که در ۲۲۴ فرهنگ انجام شد، نشان داد که در همه این فرهنگ‌ها شغل‌هایی مثل تهیه الوار، حفاری، استخراج معادن، و... کار مردان و سفالگری، حصیربافی، دوخت و دوز و... برای زنان است (او کلاهی، ۱۹۷۶)، همچنین پژوهش لی و نیوبای (لی و نیوبای، ۱۹۹۵) نشان داد که نقش‌های ابزاری مناسب مردان و نقش‌های ابرازی مناسب زنان شناخته می‌شوند.

نتایج پژوهش حاضر در این زمینه که قدرت جسمانی مردان بیشتر از زنان است و ظاهر زیبا برای زنان لازم است همسو با نتایج پژوهش لزنینا (لزنینا، ۲۰۱۴) می‌باشد که نشان داد که از نظر روس‌ها ویژگی ایده‌آل برای مردان قدرت جسمانی و برای زنان ظاهر زیبا می‌باشد. همچنین در این زمینه که خشونت و ویژگی مردان است با نتایج پژوهش بورهات و تیرل (بورهات و ترل، ۲۰۱۴) که نشان دادند شرکت کنندگان خشونت را با جنسیت افراد درک می‌کنند نه جنس او همسو می‌باشد.

در توجیه نظری یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که، کودکان بسیاری از رفتارهای پیچیده و جدید خود را (چه انطباقی و چه غیرانطباقی) از طریق تماشای الگوها یاد می‌گیرند، این الگوها می‌توانند اطرافیان کودک یا الگوهایی باشند که در کتاب‌ها یا تلویزیون مشاهده می‌کنند، در واقع شناخت‌های ما از جمله معیارهای عملکرد و قضاوت اخلاقی بر اساس مشاهدات و تعامل‌هایمان با افراد دیگر شکل می‌گیرد، که از دیدگاه نظریه پردازان یادگیری اجتماعی همچون بندورا این نوع یادگیری زیربنای اجتماعی شدن است، و تفاوت رفتاری و شخصیتی بین زن و مرد، بیشتر ناشی از این فاکتورهای اجتماعی مثل جامعه‌پذیری، پاداش و تنبیه اجتماعی، انتظارات و موقعیت‌های مختلف است، بر این اساس درک کودک از خود تا حدودی شامل خصوصیات فردی است که در خود پنداره منتشر است ولی در ضمن دربردارنده هویتی است که کودک بر اساس مقوله‌های اجتماعی و فرهنگی خود ملزم به پذیرفتن آن است، در فرهنگ‌های مختلف مجموعه‌ای از علایق، خصوصیات تشخیصی و رفتارها، زنانه یا مردانه تلقی می‌شود، کودکانی که جنسیت برایشان اهمیت خاصی دارد شدیداً علایق و رفتاری مطابق با جنسیت خود خواهند داشت، بازی‌ها و فعالیت‌هایی را انتخاب می‌کنند که از لحاظ اجتماعی برای جنسیتشان مناسب است و به خصوص علاقه‌مندند که با همسالان هم جنس خود بازی کنند. بنابراین تأثیر فرهنگ بر شکل‌گیری باورهای نقش جنسیتی در

زنان و مردان را نمی توان نادیده گرفت، چرا که این باورها را فرهنگ مشخص و به واسطه محیط افراد این محیط همچون والدین، معلمان، همسالان و ... به فرد تحمیل می کند، و افراد طبق تعاریف ارائه شده فرهنگ از زنانگی و مردانگی به پردازش اطلاعات و تنظیم رفتارشان می پردازند. این باورها می توانند در فرهنگ های مختلف متفاوت باشند و یا حتی گاهی مشترک در فرهنگ های مختلف باشند.

محدود بودن این پژوهش به تنها یک فرهنگ می تواند محدودیتی در راستای تعمیم نتایج و یافته های آن باشد، بنابراین پیشنهاد می شود تا پژوهش های مشابهی در فرهنگ های مختلف کشور، با توجه به چند فرهنگی بودن کشورمان انجام شود، تا باورهای مشترک شناسایی شوند و بتوان به طور ملی اقداماتی در جهت رفع محدودیت های ناشی از آن ها انجام شود، نیز پیشنهاد می شود تا در شناسایی این باورها از دیدگاه گروه های دیگر جامعه از جمله جامعه شناسان نیز استفاده شود و همچنین در این راستا از روش های دیگری مثل مصاحبه های باز و نیمه ساختاریافته استفاده شود.

منابع

- اعتصامی، پروین. (۱۳۸۳). مقایسه نقش های جنسیتی آندروژن، مردانه و زنانه و رابطه آنها با هوش هیجانی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی استان اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- آذیر، لیلا. (۱۳۸۵). باورهای جنسیتی، ابراز وجود و سلامت اجتماعی در دانش آموزان پایه دوم دبیرستان شهرستان سنندج. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- برومندی، مهدی. (۱۳۸۷). مقایسه خلاقیت و عزت نفس در نقش های جنسیتی آندروژن و مردانه در دانش آموزان پسر سوم دبیرستان شهر اسفراین. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- بستان (نجفی)، حسین. (۱۳۸۵). بازنگری نظریه های نقش جنسیتی. پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، ۳۱-۵.
- بهرامی، فاطمه. (۱۳۸۶). تعیین اثربخشی کارگاه آموزشی کلیشه های جنسیتی زنان و مردان شهر اصفهان. مطالعات زنان، سال پنج، شماره یک، ۱۰۶-۹۳.
- بیگس، شیر کو. میهمان پاییزی. ترجمه: جمال الدین نقشبندی (۱۳۸۲). تهران: نشر کیانامهر.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۴). روانشناسی تربیتی (روانشناسی آموزش و یادگیری). تهران: ویرایش.
- جوکار، فرحناز، طاهری ازبرمی، زهرا، و پورنجف، حیران. (۱۳۹۰). بررسی نگرش دانش آموزان دختر و پسر نسبت به نقش جنسیتی خود و جنس مخالف. پژوهش پرستاری، دوره ۶، شماره ۲۳، ۱۴-۶.
- خانی مجد، صدیقه. (۱۳۸۸). بررسی و مقایسه رابطه باورهای جنسیتی با عملکرد خانواده در دانشجویان کرد زبان دانشگاه رازی کرمانشاه و دانشجویان فارس زبان دانشگاه شهید بهشتی

- تهران. پایان نامه کارشنای ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- دشتی، منصوره. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه ای کلیشه های جنسیتی بین زنان و مردان و رابطه آن با میزان دینداری (مطالعه زنان و مردان بالای ۲۰ سال منطقه ۶). پایان نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- دولت آبادی، محمود (۱۳۸۹). کلیدر. تهران. نشر فرهنگ معاصر.
- زارعی مهرورز، عباس (۱۳۹۰). بررسی جایگاه سیاسی و اجتماعی زنان ایالت کردستان در آغاز سده ۱۴ قمری. تحقیقات تاریخ اجتماعی، شماره ۱، صص ۶۳-۷۸.
- شرفکندی، عبدالرحمن (۱۳۹۰). بو کوردستان (دیوان اشعار). تهران: نشر آنا.
- شیخ الاسلامی مکرری، محمدامین (۱۳۹۰). دیوان اشعار. تهران: نشر آنا.
- طه زاده، مسعود. (۱۳۹۲). جایگاه زنان در جامعه کرد زبان با تأکید بر فرهنگ کار زنان. فصلنامه موج، صص ۲۵-۳۶.
- فروتن، یعقوب. (۱۳۸۹). جامعه پذیری جنسیتی در کتاب های درسی مدارس ایران، زن در توسعه و سیاست. پژوهش زنان. دوره هشتم، شماره ۳۰، ۲۱۶-۱۹۵.
- فقیهی، الهام. (۱۳۹۱). ارتباط باورهای جنسیتی با حمایت اجتماعی ادراک شده و ابعاد هویت. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- قدیمی قیداری، عباس (۱۳۸۸). تاریخ نگاری محلی کردستان. ظهور نخستین تاریخ نگار زن. پژوهش های تاریخی دانشگاه اصفهان، شماره ۱، صص ۱۲۸-۱۱۳.
- گیدنز، آنتونی و بردسال. (۱۹۸۹). جامعه شناسی. ترجمه حسن چاوشیان (۱۳۸۹). ویرایش چهارم. تهران: نشر نی.
- گیرشمن، رومن. تاریخ ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه: محمود بهفروزی (۱۳۸۵). تهران: نشر جامی.
- محمودی شن، غلامرضا، الحانی، فاطمه، احمدی، فضل اله، کاظم نژاد، نوشیروان. (۱۳۸۸). مضامین اخلاقی در سبک زندگی حرفه ای پرستاران: به مطالعه کیفی به شیوه ی تحلیل محتوای استقرایی. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره دوم، شماره ۴، صص ۶۳-۷۸.
- معارف، منا. (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک های هویت زوجین و نقش های جنسیتی با رضایتمندی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته راهنمایی و مشاوره. دانشگاه تهران.
- ناری، محمد (۱۳۸۲). دیوان اشعار. تنظیم: حمید مستعان.
- وردی نیا، اکبر علی، ریاحی، محمد اسماعیل، اسفندیاری، فاطمه. (۱۳۸۹). تبیین نگرش دانشجویان دختر نسبت به خشونت علیه زنان: آزمون تجربی دیدگاه یادگیری اجتماعی. مسادل اجتماعی ایران، سال اول، شماره یک.

- Barrett, M. (1980). Women Oppression Today: Problems in Marxist Feminist Analysis, London: Verso Edition.
- Bem, S. (1974). The measurement of psychological androgyny. Journal of Consulting and

- Clinical Psychology, 42, 155-162.
- Borhart, H, Terrell, M & Heather, K.(2014). Perceptions of Aggression are Colored by Gender Roles. *Psychol Rec*, 64:441–445.
 - Brannon, L. (2002). *Gender: Psychological perspectives*. Boston: Allyn and Bacon.
 - Broverman, L.K, Broverman,D.M, Clarkson, F.E. Rosen pant, P.S. Vogle, S.R.(1970). Sex role stereotypes and clinical judgments of mental health. *Journal of counseling and clinical psychology*, 34, 1-7.
 - Calvo-Salguero, A.(2008). Differences Between and Within Genders in Gender Role Orientation According to Age and Level of Education. *Sex Roles* , 58:535–548.
 - Fiske, S.T.(1993). "Controlling other people, the impact of power on the stereotyping." *American Psychologist* 48: 621-628.
 - Jahanbakhsh, S, Jomehri, F,& Kraskian Mujembari, A. (2015). The Comparison of Women's Self Confidence in Base of Gender Role. *Procedia. Social and Behavioral Sciences* 191, 2285 – 2290.
 - Kulik, L.(2005). Predicting Gender Role Stereotypes among Adolescents in Israel: The Impact of Background Variables, Personality Traits, and Parental Factors. *Journal of Youth Studies*, 8:1, 111-129.
 - Lee, D & Newby, H.(1995). " The Problem of Sociology" . London And New York: Routledge.
 - Lezhnina, Iu.P.(2014). The Transformation of Gender Roles in Today's Russia. *Sociological Research*, vol. 53, no. 5, pp. 13–31.
 - Matud, M.P, Bethencourt, J.M. & Ibanez, I.(2014). Relevance of gender roles in life satisfaction in adult people. *Personality and Individual Differences* 70, 206–211.
 - McConnell, J.V. & Philipchalk, R.P. (1992). " understanding Human Behavior" Orlando: HBJ Publisher.
 - Morin, E. A. (2012). *No Vacation For Mother?': Traditional Gender*
 - Oakley, A.(1976). " Woman's Work: The Housewife, Past And Present", New York: Vintage Books. *Roles In Outdoor Travel Literature,1940–1965. Women's Studies*, 41:436–456.
 - Topuz, C & Fusun, Y.(2014). The Examination of Graduate Students' Gender Roles in Relation with Demographics. *Social and Behavioral Sciences* 159, 565 – 569.
 - Tzinerr, A, Barsheshet-Picke, L.(2014). Authentic management as a moderator of the relationship between the congruence of gender role identity. gender management characteristics, and leader-member exchange (LMX). *Journal of Work and Organizational Psychology* 30, 49-60.
 - Whitley, B.E.(2001). Gender-Role Variables and Attitude toward and Homosexual. *sex role*, 45, 691. 721.

Cognizance of Dominant Gender Role Beliefs in Kurdish Culture

S. Yoosefi*
A. Farid**
R. Mahdiun**

Abstract

The present study aim was to investigate the attitudes of dominant gender role in Kurdish culture from counselors view point in province of Kurdistan. The participants in this survey included all of the school and the technical counseling clinics counselors in province of Kurdistan. So to select the sample, the convenience sampling method was used. Since the sampling standard in qualitative surveys is data saturation, 28 counselors participated in this survey. The study was qualitative regarding content analysis. Data were collected through a researchers' initiated questionnaire and were analyzed using the open and axial coding. For determining content and face validity, the measuring tool was professors' ideas and for determining qualitative validity, the researcher self-reviewing techniques were used and for determining qualitative survey reliability of comments coders and amount interceder agreement in coding data and determine categories, were used. The results led to the identification of five main categories (characters, relationships, work, work and social obligations, social and cultural structures) and nineteen subcategories that any of which contained secondary topics. Opinions expressed in the category of character categories and sub-categories of cognitive, behavioral and social responsibility were among beliefs expressed by most of counselors and were mentioned and beliefs expressed in social and cultural structures categories had the least amount of frequency.

Keywords: gender role beliefs, Kurdish culture, counselors.

*M. A. of Educational Research. (Corresponding author, email: yoosefisomayeh@yahoo.com)

** Assistant Professor of Department of Educational, Azarbaijan Shahid Madani University